



غلامرضا بصیری پور ۴ دهه از زندگی اش را به مردم خدمت کرد

## می توانستم بهتر باشم

عکس: حدیث فقیری / شهرآرا



همراه با خاطرات علی اصغر عباسی که از بدو تولد در  
مجله احمدآباد سکونت دارد

۶ اقوام، در همسایگی هم

۲ هشداد درختان خشک شده

خیابان دکتر شیخ به مسئولان

آب کافی تنها راه حل سبز ماندن

۷ سید عبدالرحیم نعمتی که سال گذشته با او گفت و گو  
کردیم، به رحمت خدا رفت

پدر به پسر شهیدش پیوست



هشدار درختان خشک شده  
خیابان دکتر شیخ به مسئولان

## آب کافی تنهاراه حل سبز ماندن

درختان ناراحت است و می گوید: با اینکه شهرداری گل ها و درختان را آبیاری می کند، هر سال به تعداد درختان خشک اضافه می شود. خیلی وقت ها اهالی و کسبه به درخت های جلوخانه و مغازه شان آب می دهند، ولی گویی کفاف ریشه این درختان را نمی دهد. او ادامه می دهد: هر سال شهرداری برای هرس شاخه های آید و هر وقت درخت خشکی ببیند، آن ها را علامت می گذارد و هر زمان وقتش برسد، برای قطع کردن آن ها می آید.

### خشک سالی به دلیل جذب نشدن آب

رئیس اداره فضای سبز شهرداری منطقه یک با اشاره به وجود قنات و آب های زیرزمینی و چاه های جذبی در گذشته می گوید: با نصب آگو و حذف چاه های خانگی و کاهش بارندگی، دیگر در بستر چاه های آبی وجود ندارد که ریشه درختان آن را جذب کند. به گفته مرتضی دوامی، ریشه درختان برابر با قدشان است و به آب زیاد که روان باشد، نیاز دارند تا زنده بمانند. به همین دلیل برای آبیاری درختان کهن سال باید آب را به عمق برسانند. وی ادامه می دهد: در سال گذشته در چند نقطه مثل بولوارهای احمدآباد، شهید صادقی، ارشاد و محدوده ششصد دستگاه لوله گذاری در عمق انجام شد و آب به صورت روان به این درختان می رسید تا ریشه بهتر آب را جذب کند. با این نوع آبیاری مصرف کاهش پیدا می کند و می توان درختان را حفظ کرد. اما امکانات و اعتبار بیشتری می خواهد. دوامی درباره شناسایی درختان خشک شده توضیح می دهد: بعضی درختان دیرتر از خواب زمستانی بیدار می شوند؛ برای همین شناسایی درختان خشک از اردیبهشت آغاز می شود. در صورتی که خشک شده باشند، بعد از کسب مجوزهای لازم، آن ها را قطع می کنیم.

### خشک سالی به جای سرسبزی

از ابتدای انتهای خیابان دکتر شیخ درختان سرسبز در دو سمت خیابان و حاشیه پیاده رودیده می شود. بعضی از آن ها قدیمی ترند و تنه ضخیم تری دارند. سایه و سرسبزی شان حال و هوای خیابان را مطلوب کرده است و رهگذرانی که از این جاد می شوند، از سایه شان استفاده می کنند. این سرسبزی، اما از نبش خیابان دکتر شیخ ۳، محل بیمارستان، تغییر می کند. بیشتر شاخه های درخت سر کوجه، خشک شده و نواری نارنجی رنگ دور درخت بسته اند. با کمی فاصله، چند درخت دیگر هم خشک شده اند و دیگر بار و برگ ندارند و دور آن ها نیز همان نوار نارنجی دیده می شود. در فاصله بین این درختان، تنه چند درخت بریده دیده می شود که سال های گذشته سرسبزی این جاد و چندان می کردند، ولی حالا وجود ندارند. جواد برغمندی اولین فردی است که این موضوع را با ما مطرح می کند. ساکن اینجا نیست، اما سه سالی می شود که فرزندش به خاطر بیماری اش در این بیمارستان بستری است و دیده که چطور هر سال، شاخه این درختان بی حال تر از سال قبل می شود. او می گوید: درختان جلوی بیمارستان تنها دل خوشی همراهان بیماران هستند. خیلی وقت ها ما راجعه کنندگان از شهرستان های اطراف به اینجا می آیند و خیلی ها زیر سایه همین درختان استراحت می کنند. از وقتی این ها خشک و قطع شده است، همه مجبورند به آن سمت خیابان بروند یا از بیمارستان دور شوند.

### خطر آفرینی شاخه های خشکیده

مسعود رسولی، نبش این خیابان مغازه دارد. او هم از خشک شدن این

میترا صدرا هر چند وقت یک بار به تعداد درختان خشک جلوی بیمارستان دکتر شیخ در محله صاحب الزمان (عج) اضافه می شود و همین موضوع باعث نگرانی ساکنان شده است؛ درختانی که برکت محله هستند و سایه های شان سال ها است که دل رهگذران و همراهان بیماران را خوش کرده است.

سال گذشته، شاخه های خشکیده تعدادی از درختان برای عابران و خودروها خطر آفرین شد و شهرداری مجبور شد تعدادی از آن ها را قطع کند. اهالی حالانگران بقیه درختان خیابان دکتر شیخ، به ویژه درختان نزدیک بیمارستان هستند و امیدوارند شهرداری برای حفظ آن ها کاری انجام دهد.

هم قدم



## روکش آسفالت در صدر درخواست های مردمی

تعداد پیام های مردمی

۴۰  
تماس

### درخواست های مربوط به حوزه عمرانی

۱۸ تماس در حوزه عمرانی برقرار شد که پرتکرارترین آن، ۸ مورد با موضوع روکش آسفالت معابر و بقیه در حوزه بهسازی پیادهروهای مختلف از جمله خیابان ارشاد ۳، بهسازی پیادهرو خیابان نوربخش، رهاسازی خاک و نخاله ساختمان های تخریب شده در محله آبکوه، تسریع در اجرای پروژه جمع آوری آب های سطحی خیابان اسفندیانی بود.

### درخواست های مربوط به خدمات شهری

از بین تماس ها ۶ مورد مربوط به حوزه خدمات شهری بود، از جمله جمع آوری ضایعاتی های غیرمجاز محله آبکوه، فرهنگ سازی درباره زمان گذاشتن زباله ها و سد معبر گل فروشی ها در محله احمدآباد.

### درخواست های متفرقه

۸ تماس نیز با موضوعات متفاوت از جمله حادثه خیز بودن تقاطع دانشگاه ۷۵، وجود مشاغل مزاحم در معابر فلسطین، مجوز مدارس از معابر کم عرض، تعطیلی بازار گلستان از سوی شهروندان مطرح شد.

### درخواست های مربوط به حوزه فضای سبز

۸ تماس مربوط به فضای سبز برقرار شد که ۲ مورد افزایش روشنایی بوستان های محلی برای امنیت و بقیه موارد رفع مشکل درختان خطر ساز در معابر منطقه را شامل می شد.

صفائی هفته گذشته، محمود برهانی، شهردار منطقه یک، به همراه رئیس اداره فنی و عمران و رئیس اداره خدمات شهری شهرداری این منطقه در مرکز ارتباط مردمی ۱۳۷ حضور یافتند و بدون واسطه چهل تماس تلفنی و مشکلات شهروندان را پاسخ دادند.

### شهردار محله پیگیری می کند

شهردار محله در هفته های آینده، تعطیلی مغازه های بازار گلستان، خاک و نخاله های رها شده در محله آبکوه، مشکل تصادفات پیاپی در تقاطع دانشگاه ۵ و ۷ را پیگیری خواهد کرد.

۱۳۷



است. عمار شاندیزی می‌گوید: پانزده سال قبل هم زمان با هفته دفاع مقدس به همراه چند نفر از اعضای هیئت امنای مسجد عمار و معتمدان محل به سازمان تأمین اجتماعی مراجعه کردیم و از مسئولان آن خواستیم که آن را برای مدتی در اختیار ما قرار دهند تا نمایشگاه هفته دفاع مقدس را در آن برپا کنیم. با کمک جوان‌های انقلابی محله زمین پاک‌سازی شد و ادوات جنگی در آن به نمایش درآمد. استقبال خوبی از آن نمایشگاه شد، اما در سال‌های بعد با وجود درخواست اهالی برای برگزاری دوباره نمایشگاه، متأسفانه زمین در اختیارمان قرار نگرفت.

این عضو شورای اجتماعی محله فرامرز عباسی می‌افزاید: این زمین با وسعت چند هزار متری اش می‌تواند مکان مناسبی برای برپایی بازار خوداشتغالی و کلاس‌های آموزش شهروندی باشد.

### ● پاتوق معتادان کارتن خواب

نبود نظارت و نگهداری باعث شده است معتادان کارتن خواب و افراد خلافکار از بالابین بلوکه‌های دور زمین وارد آن شوند. محمد ظفری، یکی از همسایه‌ها، از بین بلوکه‌ها، کیسه‌های پراز زباله را نشان می‌دهد و می‌گوید: این کیسه پراز کارتن، کاغذ و پلاستیک را معتادان در اینجا گذاشته‌اند. شب‌ها نیز در همین زمین می‌مانند و دیگر نیازی نمی‌بینند به بیرون از محله یا حاشیه شهر بروند. در گوشه‌گوشه زمین، زباله‌ها و نخاله‌های غیربهداشتی را می‌توان مشاهده کرد؛ این در حالی است که این زمین فقط چند متر از خانه اهالی فاصله دارد.

ظفری می‌افزاید: تابستان که شاخه‌ها و علف‌های درون زمین خشک می‌شود، با کوچک‌ترین بادی، گرد و خاک بلند می‌شود و کل محل را می‌پوشاند و کسی جرئت بازکردن پنجره‌ها را ندارد.

### ● تعیین تکلیف زمین تا پایان سال

محمد امین رحیمی، مسئول روابط عمومی بیمه تأمین اجتماعی استان خراسان رضوی، در پاسخ به گایه‌های مردمی می‌گوید: زمین مورد نظر واقع در حاشیه خیابان فرامرز عباسی به تازگی در اختیار مدیریت درمان تأمین اجتماعی استان خراسان رضوی قرار گرفته است و به زودی تعیین تکلیف خواهد شد.

رئیس اداره فنی، مهندسی و مدیریت درمان استان خراسان رضوی نیز می‌گوید: طرح ساخت مجموعه درمانگاهی و پزشکی مجهز در این زمین به تصویب رسیده است و تا پایان سال، زمین کلنگ‌زنی خواهد شد. محمد فولادی می‌افزاید: در چشم‌انداز آینده پروژه، احداث مجموعه فرهنگی و ورزشی نیز در نظر گرفته شده است که با تأمین بودجه در سال‌های بعد اجرا خواهد شد.



### ● ۳۰ ساله زمین

به گفته اهالی، این زمین رها شده متعلق به سازمان بیمه تأمین اجتماعی است. علیرضا کرمی، همسایه سی ساله این ملک، می‌گوید: این قطعه زمین از همان وقتی که ما به این محله آمدیم، وجود داشت. آن زمان که ساخت و سازهای محله رونق گرفته بود، بیشتر قطعات مجاور ساخته شد و انتظار می‌رفت که این ملک هم به زودی ساخته شود. اما متأسفانه چنین اتفاقی نیفتاد و بعد از گذشت سی سال به همین حالت رها شده است.

کرمی با اشاره به نمای نازیبايي که این زمین در محله ایجاد کرده است، می‌افزاید: سی سال قبل، شاید ظاهر و نمای زمین خالی خیلی توی ذوق نمی‌زد و مهم نبود، اما حالا که ساختمان‌های شیک و چند طبقه اطراف آن را گرفته و محله فرامرز عباسی به محله‌ای آباد و بزرگ تبدیل شده، ظاهر آن متناسب با دیگر قسمت‌های محله نیست. حتی برای رهگذران سؤال شده که این ملک در چنین موقعیت تجاری و مکانی عالی چرا هنوز ساخته نشده است.

### ● ظرفیت بدون استفاده

طی سال‌ها تنها یک بار زمین مذکور مورد استفاده اهالی قرار گرفته

مسئولان برای حل مشکلات ۳۰ ساله زمین رها شده فرامرز عباسی ۵ قول دادند

## عاقبت به خیری یک زمین افتاده



هم قدم



حسین برادران فراسال هاست زمین بزرگ محصور بابلوکه‌های سیمانی در ابتدای خیابان فرامرز عباسی به حال خود رها شده است. ملکی که می‌توانست با تبدیل شدن به مرکز درمانی، فرهنگی یا ورزشی مورد استفاده شهروندان ساکن محله فرامرز عباسی قرار گیرد. امروز به دردسر و مشکل بزرگ اهالی تبدیل شده است. ۱۹ خرداد سال ۱۴۰۰ مشکلات این زمین با عنوان «چهل سالگی یک تصمیم خاک خورده» در روزنامه شهرآرا به چاپ رسید و با وجود پیگیری رسانه از مسئولان مربوطه، پاسخی دریافت نشد.

### اسماعیل آباد در راه آبادانی

عملیات جدول‌گذاری، زیرسازی و آسفالت‌فرعی‌های خیابان‌های عامل و اسماعیل آباد به پیشرفت فیزیکی پنجاه درصدی رسید. این پروژه در خیابان‌های شهید فیضی ۳ و فرعی‌های آن در محله اسماعیل آباد در متراژی بالغ بر ۷۵۰ متر مربع و نیز خیابان حر عاملی ۵۳ و فرعی‌های آن در مساحت ۴۵۰ متر مربع اجرا می‌شود. عملیات جدول‌گذاری با هدف دفع و هدایت آب‌های سطحی در زمان بارندگی و ارتقای ایمنی معابر شهر انجام می‌گیرد.

### ۱۴ برش اسکلت در یک هفته

در هفته‌ای که گذشت، چهارده بنای ناایمن و غیرمجاز در منطقه ۲ اعمال قانون و از ادامه احداث آن‌ها جلوگیری شد. این اقدام در راستای اجرای حکم قضایی مبنی بر برش اسکلت ساختمان‌هایی که خلاف ضوابط شهرداری ساخته شده بودند، انجام می‌شود. برش اسکلت چهارده ساختمان در خیابان‌هایی از جمله حر عاملی، شهید کامیاب، شهید طرحچی، جاده کلات، هدایت، شهید شکری، توس اجرا شد.



شهر خبر



شهردار منطقه ۲، برخورد با ساخت و سازهای غیرمجاز را یکی از رویکردهای اصلی این منطقه دانست و گفت: در سه سال اخیر، آمار روبه افزایش جلوگیری از ساختمان‌های ناایمن را که خلاف اصول شهرسازی ساخته شده‌اند، شاهد بوده‌ایم.

علی حسین پورافزود: اگر بخواهیم به صورت اعداد و ارقام برخورد با متخلفان در حوزه ساخت و ساز را طی سه سال گذشته بررسی کنیم، باید بگوییم از سال ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ رشدی معادل ۹۷ درصد را شاهد بوده‌ایم. آمار منع ساخت و ساز ناایمن از سال ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۳ افزایش ۵۵ درصدی و از سال ۱۴۰۱ تا سال ۱۴۰۳ نیز، ۴۷ درصد بوده است.

شهردار منطقه ۲ تأکید کرد: این رشد آماری نشان دهنده موفقیت مجموعه شهرداری منطقه در احقاق حقوق شهروندان و جلوگیری از ساخت و سازهای بدون پروانه و مجوز است.



جلوگیری از ساخت و سازهای غیرمجاز در ۳ سال اخیر روبه رشدی داشته است

### تخلف ممنوع

غلامرضا بصیری پور ۴ دهه از زندگی اش را به مردم خدمت کرد

## می توانستم بهتر باشم



صفا نی | صبح یکشنبه  
با سوژه برای عکاسی در محله همراه شدیم. پاکبانان همان حوالی جلو می آمدند و با او چاق سلامتی می کردند. یکی از آن ها گفت: سحر دیدم ماشینتان جلو مسجد نیست، فهمیدیم امروز نماز صبح به مسجد نیامدید.

بصیری پور از اولین روزی که پایش را به مشهد گذاشت، در همین حوالی زندگی کرده است. با اینکه به خاطر موقعیت اجتماعی اش می توانست در محلات تراز اول شهر مشهد ساکن شود، تکه زمینی در محله رسالت خرید و اولین ساکن محله ای شد که هیچ کس دلش نمی خواست در آنجا خانه ای بسازد و زندگی کند.

او اهل دزفول است و درس زبان انگلیسی خوانده و دلش می خواست معلم شود، اما انقلاب اسلامی که پیروز شد، داستان زندگی اش تغییر کرد و جوان دزفولی به فرمانداری شهرستان های شوشتر، اندیشک و دزفول منصوب شد و به شهرهای جنگ زده رفت. دست روزگار او را به مشهد کشاند و از دهه ۷۰ تا کنون هم جوار امام رضا<sup>(ع)</sup> شده و چند سالی است که مشغول فعالیت های عام المنفعه است. مطلبی که می خوانید، حاصل گپ و گفت سه ساعته ما با او است.

۲



داستان جلد



### از کرمانشاه به مشهد آمد



سازمان نهضت سوادآموزی در استان خوزستان نیز شکل گرفت و او اولین مدیر نهضت سوادآموزی در استان شد و دو سال در این سمت ماند. سال ۱۳۶۱ در بیست و پنج سالگی به عنوان فرماندار شهرستان شوشتر منصوب شد.

در بحبوحه جنگ، او را به اندیشک فرستادند و پانزده ماه فرماندار این شهر شد. به خاطر بمباران های پیاپی، شرایط دزفول حادثه شده بود؛ غلامرضا را به این شهر فرستادند و چهار سال در سمت فرمانداری آنجا خدمت کرد.

بعد از تصویب قطعنامه در سال ۱۳۶۸ به عنوان فرماندار کرمانشاه منصوب شد تا در این شهر جنگ زده خدمت کند. یک سال از خدمتش در این شهر نگذشته بود که استاندار وقت خراسان بزرگ از او خواست به مشهد بیاید و در شهر امام رضا<sup>(ع)</sup> خدمت کند.

به خاطر فعالیت های انقلابی اش در اهواز، او را می شناختند. به قول خودش از همه دوستانش کوچک تر بود، اما دوران قبل از پیروزی انقلاب هر کاری که در حوزه فعالیت های انقلابی می خواستند انجام بدهند، او را صدا می زدند و می گفتند «غلامرضا تو برو این کار را انجام بده».

پس از پیروزی انقلاب اسلامی دوستانش که از توانایی هایش شناخت داشتند او را به جمع خود فراخواندند.

سال ۱۳۵۹ در بیست و سه سالگی اولین بار معاونت مدیرکلی آموزش و پرورش استان خوزستان را تجربه کرد. زمانی که حکم حضرت امام<sup>(ع)</sup> برای تشکیل نهضت سوادآموزی صادر شد،

### می خواست معلم شود



زاده دزفول است و بزرگ شده اهواز. به قول خودش او هم مثل همه بچه های جنوب به فوتبال علاقه مند بوده است. هر زمان فرصت پیدا می کرد، در کوچه پس کوچه های شهر مشغول بازی می شد. از همان بچگی اهل نماز و قرآن بود و رفت و آمد به مسجد محله. هم زمان با دوران انقلاب، او هم به دنبال راهپیمایی و توزیع اعلامیه رفت. چند باری ساواک دنبالش کرد، اما فرار کرد و گیر نیفتاد. در یکی از تجمع هادر روز سیزده فروردین ۱۳۵۷ او را به همراه تعدادی از انقلابیون دستگیر و به زندان کارون اهواز فرستادند.

خانواده اش به هر دری زده بودند تا غلامرضا در بیست و دو سالگی به زندان نیفتد و بالاخره توانستند با گذاشتن سند، او را آزاد کنند.

بصیری پور می گوید: به گفته همه، بچه مذهبی بودم؛ برای همین پدر و مادرم به کارهایی که می کردم، اطمینان داشتند و چیزی نمی گفتند، اما روزی که بازداشت شدم، پدرم تذکر می داد که «دست از این کارها بردار، خطرناک است». من هم به خاطر اینکه نگران نشوند، به بهانه کار، کمتر به خانه می رفتم و بیشتر به دنبال فعالیت های انقلابی بودم.

او مدرک کاردانی زبان انگلیسی راز مرکز تربیت معلم گرفته بود و دوست داشت معلم شود. اما با پیروزی انقلاب اسلامی، شرایط عوض شد و برنامه های زندگی بصیری پور تغییر کرد.

### فعالیت های اجتماعی را ترجیح می داد



عهده دار شدم. کارش که در فرمانداری تمام شد، از دور دوم شورای اسلامی شهر مشهد، وارد شور شد و ریاست شورای ابر عهده گرفت.

بصیری پور در دوره های سوم و چهارم هم در شورای اسلامی شهر خدمت کرد. در این مدت علاوه بر ریاست شورای استان رئیس شورای عالی استان های کشور شد. بعد از چهارده فعالیت در حوزه های مدیریتی، تمرکزش را بر فعالیت های عام المنفعه گذاشت؛ فعالیت هایی که در زمان خدمتش در سمت فرمانداری با آن ها آشنا شده بود و دلش می خواست روزی در مشهد به آن ها مشغول شود. حالا او در هفت مجموعه خیریه، چه در مقام مدیر عاملی و چه در مقام رئیس هیئت مدیره خدمت می کند.

بصیری پور به مشهد که آمد، دوست داشت در حوزه اجتماعی خدمت کند؛ برای همین پیشنهاد داد کارهایی که او بسیارند که در این حوزه باشد. او تعریف می کند: به خاطر علاقه ام به کارهای اجتماعی، مدیرکل امور اجتماعی و انتخابات استان شدم و در شانزده حوزه متفاوت کارهای مرتبط با انتخابات، مسئولیت گزینش مدیران، ارتباط با ائمه جماعات و... را انجام می دادم. تا اوایل دهه ۷۰ در این حوزه فعالیت می کردم. حدود سال های ۷۱ یا ۷۲ بود که پیشنهاد دادند فرماندار مشهد شوم و مدت پنج سال این سمت را

## رابط بین خیران و نیازمندان بود

بصیری پور پس از پایان مسئولیت های دولتی، تمام توان خود را صرف فعالیت های عام المنفعه کرده است. او به همراه تعدادی از دوستانش که با او در این مسیر همراه هستند، مؤسسات متعددی تأسیس کرده و اولین و بزرگ ترین خدمتش در «مؤسسه مجمع خیرین مسکن ساز استان خراسان رضوی» است. این مجمع با هدف ساخت مسکن برای خانواده های محروم تأسیس شد و طی ۱۰ سال فعالیتش در سال های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۶ تعداد ۲ هزار واحد مسکونی ساخته و در اختیار افراد تحت پوشش بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی (ره) گذاشته است. بصیری پور درباره نوع فعالیتش در این مجمع توضیح می دهد: همان طور که اشخاص نیازمند به مامعرفی می شدند، خیران راهم معرفی می کردند. ما به افرادی که می خواستند در این راه کمک کنند، می گفتیم به طور مثال اگر صد خانواده نیازمند داریم که می خواهیم به آن ها خانه بدهیم، سهم خود یاری ۲ تا ۵ میلیون می شود. فرد می خواست هزینه یک خانواده را بدهد یا سه چهار خانواده؛ در واقع ما از هیچ کس پول نگرفتیم. خیران به جای خانواده های نیازمند، هزینه را واریزی می کردند و ما خانه ها را می ساختیم. دومین مجموعه او، مؤسسه خیریه حمایت از بیماران آسیب پذیر طوس است که ۲۶ سال از خدمتش می گذرد. تعریف می کند: این مجموعه روز اول، کارش را با بیست نفر آغاز کرد و اکنون ۱۴۰ نفر از خیران با این مؤسسه در ارتباط هستند که به بیماران نیازمند کمک می کنند. جلسات این مؤسسه هر هفته برگزار می شود و در هر جلسه بین شصت تا هشتاد بیمار تحت پوشش قرار می گیرند. بصیری پور می گوید: ما هیچ گاه پول نقد به کسی ندادیم. همه چیز شفاف است و پس از مددکاری و کاهش هزینه های

درمان، پول را به مراکز درمانی می دهیم. «مؤسسه خیریه قرآنی المهدی (ع)» کوهستگی، دیگر مرکزی است که او به عنوان رئیس هیئت مدیره در آن خدمت می کند. این مرکز به آموزش قرآن به خانواده های محروم می پردازد. بصیری پور درباره فعالیت آن توضیح می دهد: ابتدا که کار در محلات کم برخوردار را شروع کرده بودیم، به خاطر پیشرفتشان در قرآن آموزشی مبلغی پرداخت می کردیم. اما بعد از حدود دو دهه خدمت اکنون در کنار قرآن آموزشی به خانواده های نیازمند برای تشویقشان، به آن ها بسته های معیشتی می دهیم. اورئیس هیئت مدیره «زائر سرای شمس الشموس» نیز هست. این مرکز به زائران پیاده در راه مشهد خدمات رایگان ارائه می دهد و در مناسبت های مذهبی مانند دهه کرامت، ناهار و شام زائران را که بیش از ۲ هزار نفر می شوند، تقبل می کند. «خانه خیرین»، یکی دیگر از مؤسساتی است که او در آن فعالیت می کند. این مؤسسه که ثبت شرکت ها شده است، کارش نظارت بر کار تمام خیریه ها بود تا بتوانند در کنار هم به نیازمندان کمک کنند. پس از پانزده سال فعالیت، خانه خیرین با شیوع کرونا تعطیل شد و بصیری پور به خاطر مشغله های کاری اش نتوانست مجدداً راه اندازی کند. مرکز، «جامعه الصادق»، که چند سالی از راه اندازی آن می گذرد، برای طلاب محروم است. بصیری پور می گوید: بین حوزوی ها افراد نیازمندی هستند. این افراد آبرومند نیاز به کمک دارند و ما سعی می کنیم در حد توان به آن ها به ویژه آن هایی که همسرانشان فوت کرده اند، کمک کنیم. او تعریف می کند: سال گذشته پانصد سری جهیزیه به آن ها دادیم. علاوه بر آن یکی از خیران ماهزینه تحصیل دویست فرزند یتیم طلاب را تاروژی که درس بخوانند، پذیرفت. در واقع ما ارتباط خیران با نیازمندان را تسهیل می کنیم. کمک های معیشتی و تغذیه ای به محصلان «مرکز جامعه المصطفی» نیز یکی از کارهای آن هاست.

### با این همه مشغله ای که دارید،

#### برای خانواده خودتان وقت می گذارید؟

به عنوان یک همسر، پدر، همسایه تاجایی که بتوانم، وظایفم را انجام می دهم. کارهای شخصی ام را خودم انجام می دهم، حتی بعد از غذا خوردن اغلب ظرف غذا را خودم می شویم. غذاهایی مانند شیربرنج، فرنی و املت را من درست می کنم. چون همه معتقدند این غذاها را خوشمزه می پزم. احوالپرس همسایه ها هستم. اگر یکی از نمازگزاران به مسجد نیاید، رنگ می زنم و حالش را می پرسم.

### تفریحاتی هم دارید؟

به گفته آقا امیرالمؤمنین (ع) «بهترین تفریح، کار است». از گذشته فوتبال بازی می کردم. سال ۱۳۷۹ مدیر عامل باشگاه ابو مسلم بودم و ورزش می کردم. الان هم به خاطر مشکل قلبی نمی توانم زیاد بدوم؛ برای همین ورزش در آب انجام می دهم.

### از زندگی و اتفاقاتی که تاکنون برایتان افتاده است،

#### چقدر راضی هستید؟

شخصیتم طوری است که هیچ وقت صد درصد راضی نمی شوم؛ چون معتقدم شاید می توانستم از کاری که اکنون انجام داده ام، بهتر هم انجام دهم؛ برای همین نمی توانم بگویم راضی هستم.

### اگر دوباره برگردید به جوانی، همین مسیر را انتخاب می کنید؟

نه. اگر به جوانی برگردم، از برخی اندیشه هایم دست برمی دارم و کارهایی را که باید انجام می دادم، انجام می دهم. به طور مثال به من کار در تهران پیشنهاد شد. اما نگاهم این بود در شهر بزرگ و شلوغی مثل تهران نمی توان به خوبی کار کرد، اما این نوع تفکر درست نبود.

### کتاب هایی که منتشر کرده اید در چه زمینه ای بوده است؟

هفت جلد کتاب نوشته ام. دو جلد معرفی مؤسسه درمانی توس است؛ سه جلد کتاب مربوط به همان زمانی است که تلفن همراه و پیامک تازه آمده بود که در هر کدام حدود هزار جمله قصار برای استفاده در پیامک نوشته ام. دو جلد کتاب هم درباره خاطراتم در اهواز و مشهد به چاپ رسیده است.

### قصه ندارید تجربیات زندگی تان را بنویسید؟

در حال حاضر در حال نوشتن آن هستم، اما برای جمع بندی اش به زمان نیاز دارم.

## پس از ۲ سال تبریئه شد

بصیری پور در سال های کاری اش خاطرات بسیاری دارد. وقتی از او می خواهیم تعدادی از آن ها را برایش تعریف کند، به یاد ما جرای می افتد که از او به خاطر فساد اقتصادی شکایت کرده بودند و دو سال طول کشید تا در دادگاه تبریئه شد. او تعریف می کند: سال ۱۳۸۴ پس از واگذاری فاز اول پروژه ۸۶ واحدی در محله طلاب به افراد زیر پوشش بهزیستی مشهد، چند نفر درخواست فروش خانه هایشان را داشتند که با مخالفت مجمع روبه روشد. آن ها تعهد داده بودند که تا ۱۰ سال خودشان در واحد ها زندگی کنند. بصیری پور ادامه می دهد: پس از مدت کوتاهی از درخواست آن ها که مخالفت کرده بودیم، متوجه شدیم تعدادی از ساکنان پروژه از مدیرعامل مجمع که من بودم، به دلیل فساد اقتصادی شکایت کرده اند. بصیری پور یادآور می شود: ما به ازای هر خانه ای که تحویل می دادیم، مبلغ یک میلیون تومان می گرفتیم که در ساخت دیگر پروژه ها استفاده می شد. این رقم اندک هم به این خاطر بود تا تعهدی برای آن ها ایجاد کنیم؛ اما آن ها می گفتند شما مجمع خیرین هستید و نباید بابت خانه ها از هر کدام از ما این هزینه را دریافت کنید.

## به کمک همسایه ها مسجد محل را ساختند

بیست سال قبل اولین خانه در رسالت ۳۵ محله فرامرز عباسی را او بنا کرد. در کنار باغی بزرگ که به قول خودش، سهم محله از آن، جانوران مودی اش بود. کم کم همسایه ها آمدند و خانه ساختند. طی کمتر از یکی دو سال، محله شکل گرفت و همسایه ها آمدند. او به کمک دیگر اهالی پیگیر ساخت مسجد در محله شدند و بالاخره توانستند مسجد امام علی (ع) را بنشین خیابان فرامرز عباسی ۲۱ بسازند. او سال هاست که عضو هیئت امنای این مسجد است. «اینکه، فرد شناخته شده ای چون شما در محله ای ساکن باشد، آیا برای اهالی خوب است یا نه؟» این را از اعضا سابق شورای شهر می پرسیم. سؤال ما خنده بر لبانش می نشاند



همراه با خاطرات علی اصغر عباسی که از بدو تولد در محله احمدآباد سکونت دارد

## اقوام، در همسایگی هم



ایستگاه اول



صفائی خانواده اش اهل کاشان هستند و از سال ۱۳۱۴ که به مشهد آمده اند، در کنار دیگر همشهریان شان در خیابان عارف ۷ ساکن شده اند. در گذشته، بیشتر همسایه ها اقوام شان بودند. همسایگی با فامیل بهترین فرصت برای شیپنت بچه ها بود. علی اصغر عباسی که بزرگ شده احمدآباد است، خاطرات بسیاری از کوچه پس کوچه های این محله دارد.

روزگاری اینجا خانه پدری ام بود که با بچه هادر کوچه و خیابان بازی می کردیم. هر وقت شیپنتی می کردیم برای فرار از دست پدرم که متوجه نشود از روی دیوار به خانه عمه ام می رفتیم.

ایستگاه دوم

باغ وحش کوهسنگی یکی از مکان های تفریحی بود که هر هفته با بچه ها به آنجا می رفتیم. یک بار برادر کوچک ترم حواسش نبود و دستش را روی فنس میمون ها گذاشت. در یک لحظه، میمونی دستش را گاز گرفت و صدای برادرم درآمد. بالاخره با فریاد بلند نگهبان باغ وحش، میمون، دست برادرم را رها کرد. از آن به بعد کمتر به باغ وحش می رفتیم. در حال حاضر در این مکان مجتمع مهر احداث شده است.

ایستگاه چهارم



ایستگاه پنجم

اواخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ هنوز این محله آب لوله کشی نداشت. چند شیر تلمبه ای برای استفاده از آب شرب در محله درست کرده بودند. هر وقت مادرانمان برای برداشتن آب می رفتند، ما هم برای بازی، همراهی شان می کردیم.

ایستگاه ششم



در فصل توت تکانی، مادر بزرگم مرا بالای درخت می فرستاد تا توت بتکانم. بقیه بچه ها هم پای درخت، چند طرف چادر بزرگی را می گرفتند. توت ها را که جمع می کردیم، مادر بزرگ درون چندین سینی می ریخت و به همسایه ها می داد.

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، سالن ورزشی ۲۲ بهمن در انتهای عارف ۱۰ قبرستان کوچکی بود که پاتوق بازی بچه های محله شده بود. هم جواری قبرستان با مدرسه مابترین راه فرارمان از کلاس درس و شیپنت های کودکانه بود.



ایستگاه سوم

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، به جای مجتمع تجاری باراد کوهسنگی ۱۵، کارخانه پپسی بود. سرتاسر دیوار کارخانه با شیشه پوشیده شده بود و از بیرون، داخل آن دیده می شد. به همراه بچه های محل پشت این دیوارهای شیشه ای می ایستادیم و پرشدن شیشه های نوشابه را نگاه می کردیم.



سید عبدالرحیم نعمتی که سال گذشته با او گفت و گو کردیم، به رحمت خدا رفت

## پدر به پسر شهیدش پیوست



دیدار آشنا

صدرا مرحوم سید عبدالرحیم نعمتی، چهارشنبه ۱۵ اسفند سال گذشته در هشتاد و شش سالگی به رحمت خدا رفت؛ درست یک روز مانده به دیدار هفتگی با پسر شهیدش سید مهدی، دیداری که هر هفته پنجشنبه ادامه داشت و هیچ وقت ترک نشد.

مرحوم سید عبدالرحیم نعمتی اصالتاً اهل شهر فردوس و بازنشسته ارتش بود. او به سبب شغل نظامی اش در شهرهای مختلف کشور خدمت کرد. پسر بزرگش، سید مهدی، سال ۱۳۴۵ به دنیا آمد و سال ۶۵ به شهادت رسید. شهرآرامحله در دومین روز تیر سال ۱۴۰۳ با پدر و مادر شهید گفت و گو کرد. در مطلب پیش رو، از پدر شهید یاد کرده ایم.

### ● صبر و آرامش مثال زدنی بود

عادل علیزاده، همسر مرحوم، حالا عکس های آقا سید عبدالرحیم را هم کنار عکس های پسر شهیدش گذاشته است. او بعد از فوت همسرش حال خوبی ندارد؛ باین حال برای ماز روزهایی که با همسرش سپری کرده است و اخلاق خوب و صبوری اش می گوید: همسر بر اثر بیماری سرطان به رحمت خدا رفت. باینکه یک ماه آخر حالش مساعد نبود، کارهایش را خودش انجام می داد و دوست نداشت برای کسی زحمتی درست کند.

صبر و آرامش مثال زدنی بود. روز خاک سپاری اقوام، آشنایان، دوستان دور و نزدیک و خانواده شهدا حضور داشتند و همه از صبر، منانت و آرامش همسرم یاد می کردند.

### ● وظیفه ایستادن در برابر ظلم

عادل خانم می گوید: همسر همیشه به بچه های گفت که مراقب باشید به کسی ظلم نکنید. روزی که پسر سید مهدی آمد و گفت می خواهد به جبهه برود، پدرش مخالفت نکرد و به او افتخار کرد. با اینکه نظامی بود و می دانست فرزندش با چه خطراتی روبه روست، معتقد بود وظیفه هر ایرانی مسلمان و مؤمنی، ایستادن در برابر

دشمن است. زمانی هم که سید مهدی به شهادت رسید، با همه دل شکستگی صبوری کرد و معتقد بود ایستادن در برابر ظلم و وظیفه است و اگر جوانان نمی رفتند تا جلو دشمن بایستند الان خاک کشورمان دست آن ها بود.

### ● پخش شیرینی عید بر سر مزار فرزند

آقا سید عبدالرحیم سرهنگ بازنشسته ارتش بود و در طول خدمت در شهرهای مختلف زندگی کرد، اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی همراه خانواده به مشهد آمدند و در محله احمدآباد ساکن شدند. از همان زمان با همسایه ها رفت و آمد داشتند و همه آن ها را می شناسند.

مرحوم بعد از به شهادت رسیدن سید مهدی هر هفته پنجشنبه همراه عادل خانم به سر مزارش می رفتند و در جلسات هفتگی که خانواده شهدا در محله برگزار می کردند، حضور داشتند.

عادل خانم می گوید: دیدار مزار پسر هر دو ما آرام می کرد. از آنجاکه همسر سید بود، علاوه بر پنجشنبه ها، هر سال عید غدیر چند شاخه گل و یک جعبه شیرینی می خریدیم و بر سر مزار اومی رفتیم. همسر همان جابه جای او به همه عیدی می داد و بعد هم سر خاک سایر شهدا می رفتیم. آخر هم هر دو به جای سینه پسرمان سنگ مزارش را می بوسیدیم. حالا این وظیفه به تنهایی بر عهده خودم است.



نوجوان ورزشکار محله قدس، هر روز فاصله زیاد بین خانه و باشگاه را طی می کند

## مسیر سخت و طولانی موفقیت



دیگر از دوستانم به باشگاه می رفتم. اما بعد از انتقال آن به محله کوی امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> به خاطر دوری راه، دوستانم نتوانستند ادامه دهند و کاراته را ترک کردند.

### ● چه چیزی تو را هر روز به این باشگاه می کشاند؟

عشق به ورزش کاراته و دیدن مربی عزیزم و دوستانم سبب شده هر طور هست این راه را ادامه بدهم.

● در محلات نزدیک به خودتان باشگاهی نیست؟  
نمی دانم. شاید باشد. اما من این باشگاه و مربی را به هر جای دیگر ترجیح می دهم.

● اوج موفقیت ورزشی ات کجاست؟  
دوست دارم عضو تیم ملی کاراته شوم و با شرکت در مسابقات بین المللی و المپیک، مدال طلای مسابقات را برای محله و شهرم به ارمغان بیاورم.

● یک خاطره ورزشی بر ایمان تعریف کن.  
چند روز قبل از رفتن به مسابقات کشوری، تمرینات فشرده ای در پارک پردیس انجام می دادم. آن روز آن قدر تمرین کردم که از خستگی زیاد با حالت بیهوشی بر زمین افتادم.

● دوست داری در آینده چه شغلی داشته باشی؟  
می خواهم وکیل بشوم. اگر وکیل نشدم، معلم ورزش را بر شغل دیگری ترجیح می دهم.

### ● اوقات فراغت را چگونه می گذرانی؟

بیشتر وقتم را در کلاس های آموزش زبان انگلیسی می گذرانم. زبانم هم تقویت شده است. امسال در جشنواره دانش آموزی خوارزمی در رشته زبان انگلیسی شرکت کردم ولی هنوز نتیجه اش را اعلام نکرده اند.

### ● تا حالا دوستانت را به این ورزش تشویق کرده ای؟

زمانی که باشگاه در محلمان بود، همراه چند نفر



حسین برادران فراگاته را از نه سالگی در باشگاه مسجد محله شان شروع کرد. هفت سال از آن زمان گذشته و او موفقیت های ورزشی خود را مدیون تلاش مضاعفی می داند که انجام داده است.

محمد مهدی نیکو، نوجوان ورزشکار ساکن محله قدس، کلاس دهم درس می خواند. او به عشق کاراته و رفتن به باشگاه هر شب مسیر طولانی خانه تا محل باشگاهش واقع در محله کوی امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> را طی می کند. این مسیر طولانی برای او خسته کننده و سخت نیست؛ چون او تنه ا به موفقیت های ورزشی در آینده فکر می کند.

### ● چطور با ورزش کاراته آشنا شدی؟

از طریق یکی از دوستانم با خبر شدم کلاس های ورزشی کاراته در مسجد محلمان در حال برگزاری است. به مسجد رفتم و ثبت نام کردم.

### ● در کاراته مقامی هم کسب کرده ای؟

چهار مدال طلای کاراته استان و کشور را در مسابقات مختلف کسب کرده ام. سابقه یک بار حضور در مسابقات بین المللی کاراته را هم دارم که در مشهد برگزار شد. در این مسابقه نیز رتبه اول را آوردم.

### ● جز کاراته به ورزش دیگری هم علاقه داری؟

شنا را هم دوست دارم. اگر پول داشته باشم، هر روز به یکی

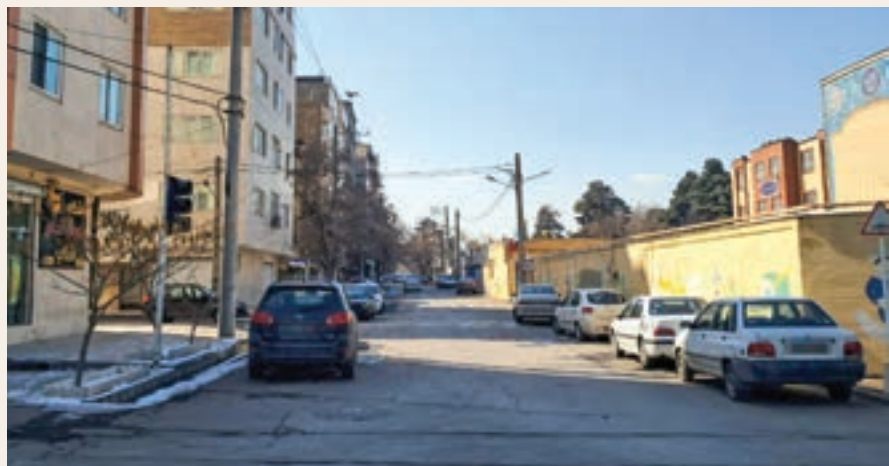
زرکش، مشهدقلی، نوده، حجت، نوید، فدک، کوی امیرالمؤمنین (ع)، هدایت، اینارگران، قدس، ابوطالب، هنرور، سمزقند، آیت...، عبادی، شهیدفرامرز عباسی، بهاران، خین عرب، اسماعیل آباد، کارخانه قند، عبدالمطلب، شفا، شهیدمطهری، عامل، حسین یاشی، کاشانی

احمدآباد، راهنمایی، فلسطین، سجاد، آبکوه، ارشاد، صاحب الزمان (عج)، سعدآباد، شهیدکلاهدوز، گوهرشاد، کوی دکتر

## محلات منطقه‌ها



مدرسه استثنایی پسرانه امام جواد (ع) سال ۱۳۸۴ تأسیس شد و در مقطع ابتدایی و پیش دبستانی فعال است. در این مدرسه، دانش آموزانی که از لحاظ ذهنی دچار مشکل هستند، تحت آموزش های ویژه قرار می گیرند. تست سنجش هوش برای ورودی های اول ابتدایی به رایگان انجام می شود.



دبیرستان دخترانه محامی (دوره دوم) سال ۱۳۹۸ تأسیس و دبیرستان دخترانه بنت الهدی صدر (دوره اول) نیز سال ۱۴۰۰ در یک فضای آموزشی ساخته شد. با وجود فعالیت این دو مرکز آموزشی، با افزایش جمعیت دختران دانش آموز در سال های اخیر، هنوز هم مشکل کمبود مراکز آموزشی در محله وجود دارد.

## کوچه مسجد حسینی

حسین برادران فراتلاش یک، خیابانی قدیمی در ورودی محله جانبازان یا همان کارخانه قند آبکوه است. به گفته قدیمی ها این محدوده در گذشته به «کوچه مسجد حسینی» کارخانه قند آبکوه معروف بود. بیشتر ساکنان آن قدیمی اند و یکدیگر را به خوبی می شناسند: از جمله تعدادی از کارگران بازنشسته کارخانه قند آبکوه.

تلاش یک  
 محله جانبازان



در بخش زیادی از سمت راست خیابان تلاش، دیوار کاهگلی و قدیمی کارخانه قند کشیده شده است. پشت این دیوار که بخش هایی از آن مرمت شده است، خانه های سازمانی متعلق به کارگران و خانواده های آنان قرار داشت.



مسجد و حسینیه حسینی قدیمی هشتادساله دارد. بنای اولیه آن سال ۱۳۲۷ هجری شمسی توسط کارگران کارخانه قند ساخته شد و در سال های ۱۳۴۲ و ۱۳۸۰ توسط خیران و اهالی مورد مرمت و تجدید بنای کلی قرار گرفت. مسجد حسینی هنوز هم پاتوق قدیمی های محله است.

زمانی این خیابان به داشتن درختان قدیمی کهن سال سرو و صنوبر معروف بود. متأسفانه تعدادی از این درختان قدیمی خشک شده است. اهالی از شهرداری درخواست بیرون کشیدن ریشه ها و کاشت نهال جدید را دارند.